

روزگاری که دخترها زود ازدواج می کردند!

۱۸ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۷

یکی از ویژگی های ازدواج در دوره قاجار بویژه برای دختران، ازدواج در سنین پایین بوده است، چنانکه این امر در اسناد و خاطرات به جا مانده آشکار است.

در این باره پولاک می نویسد: «در ایران پسر بچه در چهارده سالگی بالغ می شود. هر گاه وی از خانواده معتبری باشد در حدود شانزده سالگی و گاهی حتی در ده سالگی، بزرگترها برایش زن قراردادی که صیغه نامیده می شود، می گیرند. تازه هنگامی که کسب و کاری پیدا کرد و به سن رشد واقعی رسید وی به ازدواج واقعی (عقدی) با دختری از خانواده ای محترم یا دخترعمویش یا یکی از شاهزاده خانم ها تن می دهد. تنها شاهد یک مورد بودم که سن پدر و پسر بیش از چهارده سال قمری با هم تفاوت نداشت. صحبت از شاهزاده سیف الدوله است. مردانی که در آستانه هفتاد سالگی اند دختر بچه ده ساله را به زنی می گیرند بی آن که عمل آن ها جلب توجه خاصی کند یا یاهه گویی را باعث شود. عکس آنچه گفته شد بسیار به ندرت رخ می دهد. یعنی مرد جوان شانزده ساله ای به سهولت یک عاقل زن بیوه را نمی گیرد مگر آنکه ملاحظات صنفی یا مالی در مد نظر باشد.»

در کتاب فارسنامه ناصری آمده است: «نواب آقامحمدخان در سال ۱۱۹۶ نزول اجلال به مازندران نموده و دختر نیک اختر جعفرخان پسر قادرخان عرب عامری بسطامی که از امرای نامدار بود در عقد ازدواج نواب امیرزاده فتح علی خان مشهور به باباخان برادرزاده خود که یازده سال از سن شریفش گذشته بود درآورد و مجلس عیش و سرور چنان که سزاوار پادشاهان است برپا نمود و هم در این سال صبیبه مرضیه فتح علی خان قاجار دولو را برای نواب امیرزاده معزی الیه نیز عقد مزاجت بستند و با عزت تمام در هودج زرین نشانیده از بلده دامغان به شهر ساری مازندران آورده مدت دو هفته مشغول سرور و سرور شدند.»

تاریخ محمدی نیز به ازدواج فتحعلی خان به امر عمویش در ذیل اخبار سال ۱۱۹۷ اشاره می کند: «عروسی معتبر دیگر که از این سمت رود کرج تا آن سوی رود ارس صدای مبارکبادش بلند بود عروسی شیرین جمال خانم همشیره سیف الدوله بود که در سن چهار سالگی او را حسین خان سردار قاجار قزوینی برای مهدی قلی خان پسرش که در آن وقت هفت ساله بود عقد کرده است.»

«مشیرالملک صبیبه میرزا آقای سید را که داماد معزالملک است به جهت پسر خود عقد کرده ولی دختر به سن پنج سال است، به ولایت پدر عقد کرده اند.»

در وقایع التفاقیه نیز آمده است که «شنیدم دیشب اختراالدوله صبیبه خودشان را که هشت سال تمام دارد بی مقدمه به عزیزالسلطان نامزد فرمودند. حکم شد تهیه شیرینی خوران ببینند. هر روز صبح عزیزالسلطان با موزیکانچی ها و فراش های کوچک که دارد می رود درب اطاق اختراالدوله را به کالسه نشانده می برد مکتبخانه عصر به همین تفصیل مراجعت می دهد.»

دکتر فووریه نیز در کتاب خود ذیل سال ۱۸۸۹ م به این عقد اشاره کرده و می نویسد که «عزیزالسلطان دوازده سال و اختراالدوله هشت سال دارد.»

اعتمادالسلطنه نیز در خاطرات خود آورده است: «امروز اهل خانه، خانه شکوه السلطنه مهمان بودند. شیرینی خوران زرین کلاه خانم دختر ولیعهد است به جهت مرتضی خان پسر مخیرالدوله. این خانم ده سال دارد» و نیز در جایی دیگر می آورد: «معصومه خانم دختر نایب السلطنه را مهدی قلی خان مجدالدوله امشب عروسی می کنند. از قراری که مسموع شد لقب سرورالسلطان به این دختر داده اند با این که یازده سال بیشتر ندارد.»

اعتمادالسلطنه نیز آورده است: «معاون پسر قوام الدوله که احمق تر و ابله تر از تمام مخلوق ایران است به واسطه مکنت زیاد پدر، خودش را خیلی قابل می داند. با وجود پنج شش زن و پنج شش اولاد بزرگ دختر دوازده ساله ظهیرالدوله را که از فروغ الدوله است عروسی می کند و این دختر ملقب به عزیزالملوک است و عجیب این است که این شخص عروسی با ساز و سرنا می کند. پول زیاد و آسودگی خیال این طور دیوانگی را سبب می شود.»

همچنین اعتمادالسلطنه در ذیل خاطرات سال ۱۳۰۹ آورده است: «حسام الملک در همدان قریب یک ماه است عروسی می کنند و زیاده از صد هزار تومان تا به حال خرج کرده. از طهران و کرمانشاهان و آذربایجان و اصفهان از اعظم و اعیان را وعده گرفته، شب و روزی چهار پنج هزار نفر را خرج می دهد و همچنین مال های آن ها را علیق می دهد. دختر حضرت ولیعهد را برای پسرش گرفته می گویند داماد دوازده سال و عروس پانزده سال دارد.»

دالمانی نیز در این باره می نویسد: «موضوع ازدواج در ایران یکی از امور بسیار مهم به شمار می رود. ایران از این حیث بر تمام کشورها و مللی که ادعای ترقی و تمدن می کنند برتری دارد. در دستورات اسلامی با تأکید زیاد امر به ازدواج شده است و شرایط آن هم سهل است. نظر به همین دستورات که نتایج اخلاقی دارند والدین در تأهل فرزندان خود شتابی دارند و به محض اینکه سن آن ها به مرحله تأهل برسد آن ها را وادار به ازدواج می کنند و غالباً در سن سه یا چهار سالگی برای آن ها نامزدی معین می نمایند. مخصوصاً در خانواده سلطنتی در موقع تولد کودک نامزدی برای او انتخاب می کنند. معمولاً دختران را در سنین ۱۱ و ۱۲ سالگی به شوهر می دهند و پسران را در ۱۶ یا ۱۷ سالگی وادار به ازدواج می نمایند و گاهی هم اتفاق می افتد که به واسطه طمع و سودپرستی دوشیزه کوچکی را به مرد سی ساله ای می دهند. ازدواج های قبل از بلوغ مانع رشد طبیعی دوشیزگان است و به واسطه فشار خانه داری و تعدیات شوهران که زنان را ملک مطلق خود می دانند غالباً کدورت و کسالت های روحی به زن ها عارض

می گردد و نشاط جوانی آن ها از میان می رود و خیلی زود به ضعف و فرسودگی مبتلا می شوند. در ایران دختر پیر کمتر دیده می شود زیرا دختران به محض این که به بلوغ رسیدند باید ازدواج نمایند و به مقام مادری برسند و اگر زیاد در خانه بمانند دیگران با نظر حقارت به آن ها نگاه می کنند. بنابراین دختران جوان پیوسته در این فکر هستند که با پسر جوانی ازدواج نمایند.»

از این رو دیالافوا در دهکده باسمنج با دختر نایب چاپارخانه گردش رفته بوده است می نویسد: «دختر راهنمای من شش الی هفت سال داشت و با این سن کم قیافه زنان را پیدا کرده است. به طوری که می گفت سال آینده چادر به سر خواهد کرد و معلوم است که مطابق معمول در سن دوازده سالگی باید شوهرداری کند و بچه ای هم در بغل داشته باشد.»

منابع:

۱- اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۲- پولاک، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.

۳- محمدتقی ساروی، تاریخ محمدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۴- دیالافوا، سفرنامه، ترجمه فره وشی، تهران: خیام، ۱۳۶۱.

۵- میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

۶- میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش، ۱۳۷۹.

*بنفشه حجازی، تاریخ خانمها، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۸.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۱۸۲/روزگاری-دخترها-زود-ازدواج-کردند>